



## مذاکره با جمهوری اسلامی، پشت به مردم، رو به دشمن!

انتشار خبر مذاکرات مخفیانه چهار جریان سیاسی کُرد با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بار دیگر سیاستهای مماشات طلبانه و مغایر با منافع مردم ایران و کُردستان این جریانات را در مقابل دید همگان قرار داد. این چهار جریان، حزب دمکرات کُردستان ایران، حزب دمکرات کُردستان، حزب کومله کُردستان ایران (سازمان انقلابی زحمتکشان کُردستان ایران) و کومله زحمتکشان کُردستان می باشند که بر اساس گزارشاتی که تاکنون منتشر شده و همچنین بنا بر اعتراف صریح "رهبری دوره‌ای مرکز همکاری احزاب کُردستان ایران" (عمر ایلخانی زاده، دبیرکل حزب کومله زحمتکشان کُردستان)، با نمایندگان جمهوری اسلامی (با وساطت یک نهاد نروژی مرتبط با وزارت خارجه دولت نروژ، NOREF – Norwegian Centre for Conflict Resolution)، "ملاقات‌ها" و "دیدارهایی" داشته اند.

خبر این مذاکرات که عمر ایلخانی زاده طی بازی با کلمات می کوشد آن را نه خود مذاکره بلکه زمینه سازی برای مذاکره جلوه دهد، چند روز پیش توسط مسئولین سازمان کُردستان حزب کمونیست ایران (کومله) منتشر شد و معلوم گردید که خود این جریان نیز در جریان گفتگوهای چهار جریان سیاسی مذکور با نمایندگان جمهوری اسلامی از طریق وساطت نهاد نروژی فوق الذکر قرار داشته ولی چنین موضوع پر اهمیت در سرنوشت خلق کُرد و همچنین دیگر خلق های ایران را نه تنها به مردم اعلام نکرده بودند، بلکه حتی با توده سازمانی خود نیز در میان نگذاشته بودند. اما، تا جایی که به چهار جریان سیاسی فوق الذکر بر می گردد، آن‌ها با مخفی نگه داشتن دیدارها و مذاکرات خود با نمایندگان جمهوری اسلامی از مردم ایران و به طور ویژه از خلق کُرد، در واقع بر این واقعیت مهر تأیید می زنند که در شرایط کنونی - بر اساس تحلیل مشخص از شرایط مشخص - مذاکره کردن با نمایندگان جمهوری اسلامی تا چه حد مغایر با منافع خلق کُرد و زمینه سازی برای دسیسه‌هایی است که رژیم ضد خلقی حاکم در جهت تداوم حاکمیت ننگین خود علیه خلق کُرد و همه مردم ایران تدارک می بیند.

بیشک اگر غیر از این بود این جریانات در همان زمان آغاز این موضوع آن را علنی می کردند، به خصوص که فریبکارانه مدعی اند که "هر مذاکره‌ای باید علنی باشد." آیا همین نفس تلاش برای مخفی کردن دیدار و مذاکره با نمایندگان رژیم از طرف آن‌ها، خود دلیل بر عدم حقانیت آن‌ها نمی باشد و نشان نمی دهد که آن‌ها به ضرورت اطلاع داشتن توده‌ها از این مذاکرات که اتفاقاً به نام خلق کُرد و مردم ایران صورت گرفته، اهمیتی قائل نیستند؟

باید از جریانات سیاسی مذکور که به قول خودشان با نمایندگان جمهوری اسلامی "در سطح بالا" دیدار و مذاکره کرده اند پرسید که زمانی که در کُردستان مناطق آزاد شده وجود داشتند و سازمان‌های عمده خلق کُرد چند هزار پیشمرگه در اختیار داشتند و در تشنت فعلی نیز بسر نمی بردند چرا جمهوری اسلامی حاضر به تن دادن به کوچکترین خواست‌های آن‌ها نشد؟ و چرا این رژیم با حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت‌ها و محافل امپریالیستی، حتی از میز مذاکره برای ترور برخی از رهبران خلق کُرد سود جست؟ آن‌گاه این‌ها باید پاسخ دهند که حالا که همگی به کُردستان عراق عقب نشینی کرده و از قدرت آتش قابل توجهی هم برخوردار نیستند و تشکل‌های قبلی‌شان هم چند تکه شده است، چرا جمهوری اسلامی باید تن به تحقق مطالبات خلق کُرد بدهد؟ در شرایط مشخص کنونی با توجه به توازن قوا بین این نیروها با رژیم حاکم بر ایران و در اوضاع و احوالی که این سازمان‌ها در آن قرار دارند، از مذاکره با جمهوری اسلامی هیچ سودی برای خلق مبارز و

رنج‌دیده‌گردد حاصل نخواهد شد. این ادعا نیز که چون "ایران در وضعیت بین‌المللی نامناسبی قرار گرفته و در یک بحران عمیق داخلی فرو رفته است." پس جمهوری اسلامی تن به "ملاقات" با "احزاب گُرد ایرانی" داده و گویا در شرایطی است که می‌تواند خواست‌های مردم را متحقق سازد، توهم پراکنی برای توجیه سازشکاری این نیروهاست. در حالی که اتفاقاً قرار داشتن جمهوری اسلامی در شرایط نامناسب، ضرورت مبارزه هر چه گسترده‌تر جهت سرنگونی این رژیم سراپا ننگ و جنایت و سرکوبگر را در مقابل خلق گُرد و دیگر خلق‌های ایران قرار می‌دهد.

واقعیت این است که جریان‌های سیاسی مذکور حتی از مذاکرات شکست‌خورده قبلی خویش هم درس نگرفته‌اند و نمی‌خواهند درک کنند که هدف جمهوری اسلامی از فرستادن نمایندگان خود "در سطح بالا" برای دیدار و گفتگو با آنان تنها به منظور پیشبرد اهداف ضد مردمی خود است و این یک تاکتیک حیله‌گرانه از طرف این رژیم مکار و دشمن خلق‌های ایران بوده و دسیسه چینی دیگری علیه منافع و مصالح خلق گُرد و به تبع از آن علیه همه توده‌های تحت ستم ما می‌باشد.

همچنین باید تأکید نمود که نه تنها آن‌هائی که امروز با وساطت نیروی نروژی در نشست‌های مذاکره با جمهوری اسلامی شرکت کرده‌اند، بلکه حتی سازمان گُردستان حزب کمونیست ایران (کومله) نیز که مطابق اظهارات مسئولانش پس از دیدار با نیروی نروژی، در این مذاکرات شرکت نداشتند، از آن‌جا که این مساله را همان زمان به اطلاع افکار عمومی نرساندند، با امر مذاکره و مذاکره‌چی‌ها برخورد سازشکارانه داشته‌اند.

نکته قابل توجه دیگر این است که همه این نیروها بدون آن‌که با تحلیل مشخص از شرایط مشخص نشان دهند که در شرایط کنونی، مذاکره با دشمن چه نفعی می‌تواند عاید جنبش مردم سازد در توجیه سیاست مماشات طلبانه با رژیم سراپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی، مدعی می‌شوند که "هیچ‌گاه اصل مذاکره بر سر مسائل گُردستان را رد نکرده‌اند" یا برخی از آن‌ها به یک امر درست کلی متوسل شده و مطرح می‌کنند که مذاکره با دشمن را نمی‌توان برای همیشه رد نمود. بلی! درست است، مذاکره با دشمن تاکتیکی است که گاه در جریان گسترش مبارزات خلق‌های مبارز در مقابل جنبش‌های انقلابی قرار می‌گیرد، اما همه مساله این است که این تاکتیک باید در جهت تقویت و رشد استراتژی **نایدی دشمن** و رسیدن به مطالبات اساسی توده‌ها قرار گیرد. در رابطه با مساله ملی نیز این تاکتیک باید به ایجاد چنان شرایط دموکراتیکی کمک نماید که اراده آزاد توده‌ها بتواند در آن آشکارا بروز کند تا خلق‌ها با اشراف به همه مسایل، قادر به تعیین حق سرنوشت خود گردند.

اما واقعیت این است که دیدار و مذاکره انجام شده توسط نیروهای سیاسی گُرد فوق‌الذکر در راستای استراتژی سرنگونی جمهوری اسلامی قرار ندارد و به واقع در مخالفت با منافع توده‌هاست. این مذاکره نه مثلاً برای خریدن زمان برای نیروهای انقلابی و تقویت صفوف جنبش، بلکه بر عکس بازی در بساط دشمن می‌باشد. جمهوری اسلامی از این دیدار و مذاکره، باز داشتن نیروی جریان‌های سیاسی مذکور از مبارزه علیه رژیم و بی‌تحرک نگاه داشتن آن‌ها و به زائده خود تبدیل کردن چنین نیروهایی را دنبال می‌کند. در عین حال که چنین مذاکره‌ای می‌تواند توهم و چشم‌اندازهای غیر واقعی را در میان مردم اشاعه داده و تشتت را در صفوف مخالفین دامن بزند. از قبل روشن است که جمهوری اسلامی به مثابه دشمن جنایتکار خلق گُرد و همه مردم ایران از چنین مذاکره و همکاری‌ای به عنوان یک دسیسه جهت مقابله با اعتراضات توده‌ای که از دی ماه سال ۹۶ تاکنون از حرکت باز نمانده و با چنگ و دندان، سلطه سپاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را آماج قرار داده، استفاده خواهد کرد. کارگران و توده‌های دلاور ما در جریان این اعتراضات، با پشت کردن به صحن نماز جمعه‌ها و مقامات و امام جمعه‌های مزدور جمهوری اسلامی از جمله فریاد زدند، "پشت به دشمن، رو به میهن". اما جریان‌های سازشکار و عقب‌مانده فوق‌با قبول خفت تن دادن به تعظیم در بارگاه دشمنان توده‌ها و

شرکت در چنان نشست ها و ملاقات با دشمنان و مذاکره با آن ها نشان دادند که در پاسخ به آن ندا، سیاست "پشت به مردم، رو به دشمن" را روش خود قرار داده اند.

چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم کردن مماشات طلبی آشکار جریانات سیاسی مذاکره کننده و همچنین اختفای آن از توده ها به مدت بیش از یک سال، بر ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی با همه جناح های درونی اش تأکید نموده و بر این باورند که مطالبات اساسی خلقهای ایران و خلق گُرد تنها با قدرت یابی خود توده های ستمدیده در بستر مبارزه مسلحانه با دشمنان رنگارنگ شان متحقق خواهد شد.

**جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد!**

**سیاستهای مماشات طلبانه مغایر با منافع مردم ایران ، محکوم است.**

**خلقهای ایران تنها در یک شرایط دموکراتیک قادر به تعیین حق سرنوشت خود هستند.**

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۸ تیر ۱۳۹۸ - ۹ جولای ۲۰۱۹